

## دخالتگری سیاسی وظیفه مبرم جنبش کارگری ایران!

فرشید شکری

پیشروی قدم به قدم جنبش کارگری در هر جامعه‌ای بستگی به تشخیص وضعیت سیاسی روز جامعه دارد. اهمیت این امر در وهله نخست تشخیص مسیر حرکت اوضاع و قابل پیش بینی شدن انجام و عاقبت آن و در وهله دوم تحصیل خطوط مبارزاتی کارا برای برداشتن و درهم شکستن موانع پیشروی جنبش کارگری می‌باشد. بدون توجه به این اصل اتخاذ تاکتیک و نقشه عمل‌های بجا و موثر در راستای نیل به اهداف مدنظر غیر ممکن خواهد بود. بر این اساس و با اذعان بر حساسیت موضوع، بطور کنکرت به یکی از عاجل‌ترین وظایف فعالین رادیکال در داخل با توجه به شرایط رژیم و موقعیت جنبش کارگری ایران در دوره کنونی تاکید می‌نمائیم.

رژیم اسلامی سرمایه داری ایران، از طرفی با طرح گاه و بیگاه موضوعات و سناریوهای تکراری (انرژی هسته‌ای، مسئله فلسطین و...) توسط قدرت‌های غربی و از سوی دیگر مخالفت و اعتراض هر روزه توده‌های تحت ستم و فرودست جامعه، در داخل و خارج، سخت تحت فشار قرار دارد، با این حال همانطورکه بارها به تجربه دریافته‌ایم، جمهوری اسلامی کمافی‌السابق از طریق بده و بستان‌های پشت پرده از فشارهای خارجی خواهد کاست تا مجال سرکوب جنبش‌های داخل و در راس آنها جنبش کارگری را بیابد. این متد، رئوس اصلی سیاست رژیم در دوره‌های مختلف و در بیست و شش سال گذشته را به خود اختصاص داده و اینک بدنبال ناتوانی و شکست جناح "اصلاح طلب" در پیشبرد آن، اصولگرایان مجری و عهده دار چنین نقشی شده‌اند.

جنبش کارگری ایران، علی‌رغم تمامی چالش‌ها و مشکلات موجود (سرکوب و اختناق سیاسی، فقر اقتصادی و...) در دور اخیر به نسبت گذشته تعرضی‌تر ظاهرگشته است. روحیه همبستگی و اتحاد در آن رشد چشمگیری یافته، مطالبات ضدسرمایه داری و افق و گرایش سوسیالیستی بروزات بیشتری از خود نشان داده است. چندین تشکل مستقل از دولت و کارفرمایان نمونه‌های این روند جدید است که طبقه کارگر را در توازن قوای مناسب‌تری به نسبت رژیم و سرمایه‌داران قرار داده است.

آنچه از این دریافت ابژکتیو نتیجه می‌شود بهره جستن از چنین موقعیت مناسبی در مبارزات جاری زنان، جوانان، جنبش انقلابی کردستان و دیگر ملت‌های تحت ستم بنحو شایسته است. نباید فرصت پیش آمده را بسادگی از کف داد و باز هم برای یک زمان نامعلوم دیگر استبداد، زندان، شکنجه، فقر، گرسنگی و تباهی را متحمل شویم. به این اعتبار دخالت‌گری و تاثیرگذاری در همه جنبش‌های سیاسی و پیشرو در جامعه ایران وظیفه روز جنبش کارگری هم می‌باشد. جنبش کارگری در عین حال و به این اعتبار که ریشه‌های عینی و طبقاتی در همه جنبش‌های دمکراتیک را هم در درون خود نمایندگی می‌کند، می‌تواند تاثیرات رادیکال

برخود این جنبش‌ها هم بگذارد. نقش جنبش کارگری کردستان در جنبش انقلابی کردستان، نقش و جایگاه و خواست زنان کارگر در جنبش زنان و .. موبد این راهبرهای عملی و ابژکتیو و موثر بر این جنبش‌ها است. از این رو موقعیت جنبش کارگری در اوضاع سیاسی جاری، نقش و رسالت سیاسی این جنبش را بارزتر از گذشته کرده است.

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در تدارک نقشه‌های کارساز بمنظور برون رفت از بحرانی است که ماندن و حیاتش را با تهدید مواجه ساخته و بی شک پراگماتیست‌های ریز و درشت این نظام با حربه‌های متنوع برای دفع این تهدید و بمنظور استمرار حاکمیت خود از هیچ عمل جنایتکارانه‌ای قصور نمی‌کنند، در این گیرودار تنها طبقه کارگر و زحمتکش ظرفیت و قابلیت بر هم زدن معادلاتشان را دارد. جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک به‌هراندازه هم قدرتمند باشند، بدون حمایت جنبش کارگری توان رویارویی با انواع و اقسام نهادها و ارگانهای تا دندان مسلح و وحشی رژیم را ندارند.

انقلاب ۱۳۵۷ نمونه و فاکت خوبی در صحت این عقیده است. اگر کارگران شرکت نفت و بخش‌های دیگر طبقه کارگر ایران از مبارزات مردم پشتیبانی نمی‌کردند، هیچگاه رژیم پهلوی وادار به شکست و تسلیم نمی‌شد. در این دوره هم مادام جنبش کارگری در کنار کوشش برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای، تغییر قانون کار، الغای قراردادهای موقت، بالا رفتن سطح دستمزدها و بهبود شرایط زندگی و... به یاری جنبش‌های دیگر نشتابد نمی‌توان امید چندان‌ی به نجات مردم و پیشروی‌های بعدی خود جنبش داشت. اگر بار دیگر کارگران بخش‌های صنایع کلیدی کشور به اعتصاب سراسری دست بزنند، قطعاً دستگاه حاکم تاب مقابله نخواهد داشت.

بر این اساس بایستی سوسیالیست‌ها و رادیکال‌های جنبش کارگری ایران سیاست دخالتگری در جامعه را در پیش گیرند. این تاکتیک ضمن تامین و تضمین رهبری طبقه کارگر بر جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک و تعمیق گرایش سوسیالیستی، تاثیرگذاری بیش از پیش اپوزیسیون بورژوا – لیبرال و ناسیونالیست را بر آنها خنثی می‌کند. با قبول و پذیرش این واقعیت همه ما زنان و مردان کارگر و کمونیست وظیفه داریم متحدانه دست در دست همدیگر برای نابودی ارکان ستم و استثمار بپا خیزیم. جنبش کارگری با حمایت جنبش‌های زنان، جوانان و جنبش انقلابی کردستان می‌تواند اراده و منافع اکثریت جامعه را به پیش هدایت کند. جنبش کارگران نه فقط یک جنبش صنفی و طبقاتی بلکه یک جنبش سیاسی هم هست. کسی نمی‌تواند ما را نسبت به سیاست بی‌اعتنا کند.

۲۵ نوامبر ۲۰۰۵

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۶۲